

Analysis of Necessity Confiscation of Enemy Property in War at the beginning of Islam and World War

Received :02/09/2021

Accepted: 05/04/2022

Ali Deldar⁻

(329-357)

Multiple and different perceptions of the necessity of confiscation of enemy property and ambiguity in the nature, effects and conditions of this principle in war, it has led to violations of human property rights. One of the best ways to resolve the ambiguities of comparative study, confiscation of property in war is at the top of Islam and World War. The questions that arise are: What property is necessary in the confiscation war? What property belongs to the enemy in the war? (Question). It is assumed that confiscation of property is necessary: it is used directly for military purposes and may change military targets, or slow down the enemy's access to military targets and confiscation of property that had military use and belonging to the enemy, it can be confiscated (Hypothesis). Therefore, in the present article with comparative analytical and the use of method library resources (Method), it seeks to analyze the enemy's property (military and civilian property) and the impact of confiscation of these properties in achieving military objectives (Target). That in both the early periods of Islam and contemporary history, confiscation of enemy property was accepted, but, the difference in proportion, necessity and separation between military and civilian property is that, in Islam, the confiscated property is proportionate, it's been with the conditions and conditions of each war, but in contemporary history between confiscated property there is no necessity, proportionality and distinction (findings).

Keywords: War in Islam, World War, Enemy property, Enemy nationals, Necessity.

- . PhD student in International Law, Isfahan Branch (Khorasgan) Islamic Azad University, Isfahan, Iran,
a.deldar1349@yahoo.com.



سیارستانی

واکاوی ضرورت مصادرهٔ اموال دشمن در جنگ (در صدر اسلام و جنگ‌های جهانی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

علی دلداری

(۳۲۹-۳۵۷)

چکیده

برداشت‌های چندگانه و متفاوت از ضرورت مصادرهٔ اموال دشمن و ابهام در ماهیت، آثار و شرایط این اصل در جنگ، منجر به نقض حقوق مالکیت بشری شده است. یکی از روش‌های خوب برای رفع ابهامات، مطالعهٔ تطبیقی در خصوص مصادرهٔ اموال در جنگ در صدر اسلام و جنگ‌های جهانی است. بنابراین، پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که در جنگ مصادرهٔ چه اموالی ضروری است و چه اموالی متعلق به دشمن است؟ فرض بر این است که مصادرهٔ اموالی ضروری است که مستقیماً برای اهداف نظامی استفاده می‌شود و ممکن است باعث تغییر اهداف نظامی یا کند شدن دسترسی دشمن به اهداف نظامی شود و مصادرهٔ اموالی که کاربرد نظامی داشته و متعلق به دشمن باشد، ممکن است. پس، در این نوشتار با روش تحلیلی-تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، درصد تجزیه و تحلیل اموال دشمن (اموال نظامی و غیرنظامی) و تأثیر مصادرهٔ این اموال در دستیابی به اهداف نظامی هستیم. در هر دو دورهٔ صدر اسلام و جنگ جهانی مصادرهٔ اموال دشمن پذیرفته شد، اما تفاوت در تناسب، ضرورت و تفکیک بین اموال نظامی و غیرنظامی است. در اسلام اموال مصادره‌شده متناسب با اوضاع و احوال و شرایط هر جنگ است، اما در جنگ جهانی بین اموال مصادره‌شده هیچ ضرورت، تناسب و تفکیکی وجود نداشت.

واژگان کلیدی: جنگ در اسلام، جنگ جهانی، اموال دشمن، اتباع دشمن، ضرورت.

— دکترای حقوق بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران،

a.deldar1349@yahoo.com

مقدمه

هنگامی که بحران‌های ناشی از جنگ پدید می‌آید، حکومت برای حفظ امنیت عمومی، از تعهدات حقوق بشری خود به افراد و اموال برای مدت موقت یا دائمی عدول می‌کند تا به نوعی از نقض شدیدتر حقوق فردی جلوگیری کند و اوضاع و احوال وخیم را تحت کنترل قرار دهد و به حالت معمول بازگرداند. این عمل نوعی اقدام بازدارنده^۱ است، که این مسئله تعارضی با حقوق بشر ندارد و از آن به نظریه^۲ آموزه^۳ اخذ فرصت^۴ تعبیر می‌شود. این آموزه بر لزوم ایجاد شرایطی برای مقابله^۵ صحیح حکومت با اوضاع اضطراری تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، دولت در مواجهه با شرایط اضطرار، حق افراد را به اجبار سلب می‌کند، به این دلیل که فضای تنفسی حقوقی برای مبارزه با بحران پدیدآمده ایجاد کند و از طریق چنین امری، به اصطلاح زمان بخرد یا در واقع، فرصت کافی بگیرد (Neumayer, 2013: 8). به طریق مشابه، گروس^۶ که بیشتر به نظریه^۷ حفظ حاکمیت^۸ معتقد است، مبنای مشروعیت سلب حق را اقدام فوری دولت در شرایط اضطرار^۹ می‌داند؛ زیرا شرایط اضطرار، خود عاملی است که مخاطره‌انگیزترین مسئله برای حقوق و آزادی‌های فردی به‌شمار می‌آید (Gross, 2003: 1025).

بر اساس قاعده^{۱۰} احترام مالکیت، اموال اشخاص احترام دارد و تعرض غیرقانونی به آن ممنوع است. محققان بر این مبنای مال مسلم ذمی را در سرزمین اسلامی محترم و مصون از تعرض غیر دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۲۷۶ و ج ۱۶: ۳۵). به همین دلیل است که ماده^{۱۱} ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد: «انهدام اموال منقول یا غیرمنقولی (اصل تفکیک)^{۱۲} که افراداً یا اشتراکاً متعلق به اشخاص یا دولت یا شرکت‌های عمومی یا سازمان‌های اجتماعی یا تعاونی

-
1. Deterrent measuresin.
 2. Getting opportunities.
 3. Gross.
 4. Sovereignty.
 5. Distress.
 6. Respect.
 7. Principle of Distination.

باشد توسط دولت اشغال‌کننده ممنوع است، مگر در مواردی که انهدام آن‌ها به واسطهٔ عملیات جنگی ضرورت^۱ حتمی یابد.» در عرصهٔ بین‌المللی نیز در خصوص اموال منقول عمومی آمده که اگر این اموال کاربرد نظامی دارد و برای عملیات نظامی استفاده می‌شود، می‌توان آن‌ها را مصادره کرد، که این تبدیل به قاعدهٔ عرفی بین‌المللی شده است (جاوید و دیگران، ۱۳۹۵، ۴۳). به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، اهداف نظامی به اهدافی محدود می‌شوند که به موجب طبیعت، محل هدف یا کاربرد آن دارای سهم مؤثری در عملیات نظامی است و انهدام جزئی یا کلی، ضبط یا بی‌طرف اعلام کردن آن‌ها، در اوضاع و احوال رایج آن زمان، مزیت نظامی قطعی را در پی دارد^۲ (O'Keefe: 2010: 29).

پس، استناد به ضرورت نظامی^۳ استثنایی بر ممنوعیت کلی است که بر برخی رفتارها در جنگ اعمال می‌شود. از طرف دیگر، از آنجا که اصل ضرورت^۴ به صورت استثناست، باید به صورت مضیق تفسیر شود؛ یعنی انهدام اموال که در حین جنگ انجام می‌شود ممنوع است، مگر در موارد استثنا؛ به طریق اولی مصادرهٔ اموال غیرنظامی حین جنگ و خارج از قلمرو کشور دشمن که تحت تسلط دشمن نیست (Nottebohm, 1955)، پیش از جنگ و پس از آن (Interhandel, 1957) نیز نامشروع و غیرقانونی است.

از استثنا بودن ضرورت نظامی می‌توان نتیجه گرفت که ضرورت را باید به صورت مضیق برداشت و به مصادیق ذکر شده بسنده کرد (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۵، ۱۰۴)؛ یعنی در صورت شک و تردید دربارهٔ وجود ضرورت مصادرهٔ اموال، باید به عدم تحقق ضرورت مصادرهٔ اموال استناد کرد. از طرف دیگر، اصل ضرورت دامنه و وسعت اصل تناسب را تعیین می‌کند؛ یعنی هرچه اصل ضرورت مضیق‌تر باشد، دامنهٔ ارزیابی تناسب نیز به تبع آن محدود خواهد بود.

باتوجه به مطالب گفته شده، پرسش‌های پژوهش پیش رو این است: ۱. اموال متعلق به

1. Necessity.

۲. حقوق بین‌الملل عرفی با تعریف مندرج در بند ۲ مادهٔ ۵۲ این پروتکل تا حد زیادی یکسان است.

3. Military Necessity.

4. Principle of Necessity.

دشمن^۱ در جنگ چه اموالی است؟^۲ ضرورت مصادره اموال دشمن و اتباع بر چه مبنایی استوار است؟^۳ مشروع^۲ و قانونی^۳ بودن مصادره بر چه اصلی استوار است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیه مقاله بر این مبنا استوار است: اموالی که یک طرف جنگ مستقیماً و بدون واسطه ضد دشمن خارجی استفاده می‌کند و کاربرد نظامی دارد و برای عملیات نظامی استفاده می‌شود، اموال متعلق به دشمن است و مصادره اموالی که مانع دسترس زود هنگام دشمن به اهداف و فعالیت نظامی و اقتصادی شود ضروری خواهد بود. درباره مشروعیت و قانونی بودن مصادره نیز باید به ضرورت مصادره،^۴ تناسب^۵ مصادره و منفعت اساسی دشمن از این مصادره توجه شود.^۶

موضوع این مقاله با عنوان «واکاوی ضرورت مصادره اموال دشمن در جنگ در صدر اسلام و جنگ‌های جهانی» به بررسی مشروعیت مصادره و مفهوم اموال دشمن می‌پردازد. ارزشمندی مقاله این است که در هیچ‌یک از مقالات گوناگون بررسی شده، حتی گذرا به ضرورت و مشروعیت مصادره و کاربرد اموال متعلق به دشمن و اموال نظامی و غیرنظامی اشاره نشده است. از آنجاکه اثبات مصادره اموال در جنگ بین کشورها عملاً غیرممکن یا دشوار است، این مقاله به بررسی مصادره اموال دشمن در دو جنگ جهانی که عملاً صورت گرفته و به اثبات رسیده، پرداخته است. هدف مقاله این است: ۱. ضرورت وجود آن دسته از اقداماتی که برای تأمین اهداف جنگی ضروری، و مطابق با حقوق و کاربرد مدرن جنگ قانونی است در مصادره لحاظ شود؛ ۲. طرفین در جنگ‌های عالم‌گیر رویکرد اسلامی و حقوق بشردوستانه را رعایت، و از مصادره خودسرانه و غیرقانونی اموال خودداری کنند.

1. Enemies property.

2. Legality.

3. Lawful.

۴. طبق ماده ۲۵ کمیسیون حقوق بین‌الملل، «دولت نمی‌تواند برای توجیه متخلفانه بودن فعل مغایر تعهد بین‌المللی خویش، به ضرورت استناد کند، مگر آنکه آن فعل (الف) تنها راه برای حفاظت از منافع اساسی دولت در برابر خطر جدی و قریب‌الوقوع باشد؛...».

5. Proportionality.

۶. دفاع اضطرار نیز در مواردی مطرح می‌شود که تعارضی آشتی‌ناپذیر میان منفعت اساسی از یک‌سو و تعهد بین‌المللی دولت استنادکننده به این دفاع از سوی دیگر وجود داشته باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش استفاده از منابع کتابخانه‌ای است که با رویکرد تحلیلی-تطبیقی متون و آثار اسلامی و بین‌المللی انجام شده است. در این پژوهش، ابتدا محتوای متن به صورت کلی و جزئی، کمی و کیفی تحلیل شده است. در ادبیات و پیشینهٔ پژوهش در سه ستون نویسنده، موضوع و ارزیابی دسته‌بندی شده، که در ارزیابی به نتیجه‌گیری نویسنده از مقاله پرداخته شده است. در مبحث مبانی نظری به جنگ‌های صدر اسلام (جنگ‌هایی که مصادره صورت گرفته است) و جنگ جهانی اول و دوم پرداخته شده است. در این قسمت هدف جنگ، حالت دفاعی و پیشگیرانه بودن آن بررسی شده است.

در چهارچوب نظری، به اموال مصادره‌شده در این دو دوره پرداخته شده، که مصادرهٔ اموال در صدر اسلام جهت‌گیری اصلی متن در ستون موضوع است و در ستون‌های فرعی زمان (سال و ماه مصادره)، مالکیت (تعلق مال به مالک)، نوع مصادره (مشروع یا نامشروع) و نتیجه (ارزیابی اینکه آیا عمل انجام‌شده مصادره است یا خیر و مبنای مصادره چیست) بررسی شده است. در مصادرهٔ اموال در جنگ‌های جهانی، علاوه بر موارد گفته‌شده، به مشروعیت و مکان مصادره نیز اشاره شده که اموال مصادره‌شده خارج از قلمرو کشور دشمن بوده و هیچ ضرورتی برای مصادره نبوده است. در نهایت، با روش تطبیقی، به مقایسهٔ اموال مصادره‌شده در این دو دوره پرداخته شده که از لحاظ ضرورت، تناسب و تفکیک (اموال نظامی و غیرنظامی) بررسی شده است. مراحل پژوهش عبارت‌اند از: ۱. انتخاب موضوع، اهداف و پرسش‌ها، فرضیه؛ ۲. ادبیات پژوهش؛ ۳. مبانی نظری؛ ۴. چهارچوب؛ ۵. نتیجه‌گیری؛ ۶. منابع.

ادبیات نظری پژوهش

مطالعات صورت‌گرفته دربارهٔ ضرورت مصادرهٔ اموال در جنگ برحسب نویسنده، موضوع و نتیجه عبارت‌اند از:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ارزیابی	موضوع	نویسنده
این مقاله به بررسی دولت دشمن و اتباع دشمن پرداخته، اما به نقش دولت بی‌طرف و نقش اموال اتباع دشمن در خارج از کشور نپرداخته است.	نگرش اجمالی به حقوق جنگ	محمد رضا ضیایی بیگدلی ^۱
این پژوهش به بررسی جنگ بدر و مصادره کالاهای تجاری قریش پرداخته، اما به مشروعیت مصادره به صورت مختصر اشاره کرده است.	نقد و واکاوی حمله مسلمانان به کاروان‌های تجاری قریش در ماه‌های آغازین هجرت برای کسب درآمد از دیدگان مستشرقان	مهديه پاکروان و زهرا سالاریان ^۲
در این مقاله به دلیل ورود شوروی به ایران و چگونگی کمک ایران به شوروی و انگلیس اشاره شده، اما به غیرقانونی بودن مصادره یازده تن طلا اشاره نشده است.	مطالبات مالی ایران از شوروی در جنگ جهانی دوم (یازده تن طلای ایران)	شادی حاجی‌زاده سعدآباد ^۳
این پژوهش به بروز ناهنجاری‌های اجتماعی همچون قتل، غارت، تجاوز، تصرف املاک و مصادره اموال توسط قوای نظامی بیگانه در مناطق تحت تصرف فضای اجتماعی کشور که آن را	وضعیت امنیت عمومی در سال‌های اشغال نظامی ایران توسط متفقین	سید محمد حسین محمدی و زهرا اسکندری فرد ^۴

۱. محمد رضا ضیایی بیگدلی، «نگرش اجمالی به حقوق جنگ»، حقوقی بین‌المللی، ج ۶، ش ۳، ۱ تیر ۱۳۶۵، ص ۴۵-۷۰.

۲. مهديه پاکروان و زهرا سالاریان، «نقد و واکاوی حمله مسلمانان به کاروان‌های تجاری قریش در ماه‌های آغازین هجرت برای کسب درآمد از دیدگاه مستشرقین»، مطالعات تاریخ اسلام، ج ۱۰، ش ۳۹، ۱۳۹۷، ص ۲۶-۷.

۳. شادی حاجی‌زاده سعدآباد، «مطالبات مالی ایران از شوروی در جنگ جهانی دوم (یازده تن طلای ایران)»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ج ۱۷، ش ۹، ۴ فروردین ۱۳۹۹، ص ۷۳-۹۲.

۴. سید محمد حسین محمدی و زهرا اسکندری فرد، «وضعیت امنیت عمومی در سال‌های اشغال نظامی ایران توسط متفقین (شهریور ۱۳۲۰-شهریور ۱۳۲۴)»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ج ۱۲، ش ۶، ۱ مهر ۱۳۹۶، ص ۲۴-۱۰۷.

<p>به سمت ناامنی سوق می‌دهد اشاره کرده، اما به تأثیر این مصادره‌ها برای متفقین در مقابل آلمان‌ها نپرداخته است.</p>		
<p>این پژوهش به بررسی نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران می‌پردازد و تأثیر ورود کالاهای ایرانی به آلمان را بررسی می‌کند، اما به غیرقانونی بودن مصادرهٔ کالاهایی که در کارخانه‌ها و بنادر ایران و درون مرزهای ایران است اشاره نمی‌کند.</p>	<p>تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ جهانی اول از منظر روزنامهٔ آچیق‌سوز</p>	<p>محمدعلی رنجبر و فرهاد نوبخت^۱</p>

در این منابع، بیشتر به نوع کالا و خدمات مصادره‌شده پرداخته شده، اما به چرایی، ضرورت، منفعت، قانونی بودن و... مصادره اشاره نشده است. بر این مبنا، ابتدا به بررسی جنگ‌های صدر اسلام و جنگ‌های جهانی و سپس، به بررسی ضرورت مصادرهٔ اموال در این جنگ‌ها می‌پردازیم.

جنگ‌های صدر اسلام

قریش در همان سال‌های اول طلوع اسلام، از برخی مسلمانان کالا دریافت می‌کردند و پولش را نمی‌دادند. از شدت آزار و اذیت قریش، برخی مسلمانان مکه به اطراف آن گریختند. قریش نه تنها مال مسلمانان، بلکه مال غیر مسلمانان را نیز به زور غصب می‌کردند (ابن هشام، ۱۴۳۸ق، ۱: ۳۲۱). برخی مسلمانان را زندانی و حبس کردند تا مانع هجرت آن‌ها به مدینه شوند و خانه‌های مهر و موم‌شدهٔ گروهی از مسلمانان را به زور تصاحب کردند و فروختند. هنگام هجرت، تصمیم قاطع به قتل پیامبر ﷺ گرفتند. در این راه، برای کسانی که رسول خدا ﷺ را دستگیر کنند، جایزه قرار دادند (خرج اموال در راه صدمه زدن به دین مبین اسلام) (همان).

حال، گرفتن حق مظلومان از چنین جنایت‌کارانی که مست قدرت‌اند و جنایت برایشان

۱. محمدعلی رنجبر و فرهاد نوبخت، «تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ جهانی اول از منظر روزنامهٔ آچیق‌سوز»، مطالعات تاریخی جنگ، ج ۵، ش ۲، ۱ مهر ۱۳۹۷، ص ۸۱-۱۰۰.

امری عادی و روزمره است چگونه ممکن است؟ برای پاسخ به این پرسش، به بررسی تعدادی از جنگ‌ها می‌پردازیم.

۱. جنگ نخله

در ماه رجب سال دوم هجری، پیامبر اکرم ﷺ عبدالله بن جحش را همراه هشت نفر به نخله (بین طائف و مکه) فرستادند. این گروه در آنجا با کاروانی از قریش روبه‌رو شدند که از طائف به مکه می‌رفت. مسلمانان رئیس کاروان را کشتند، دو تن را اسیر و اموال کاروان را نیز مصادره کردند (واقعی، ۱۴۰۹ق: ۴۵). پس از برگشت، پیامبر ﷺ به دلیل رخ دادن جنگ در ماه حرام، اصحاب سریه را نکوهش و غنیمت را ضبط کردند. پیامبر ﷺ این گروه اعزامی را برای رصد قریش روانه کرده بودند و حمله به کاروان تجاری در مأموریت آن‌ها نبود (پاکروان و سالاریان، ۱۳۹۷، ۱۴).

۲. جنگ بدر

در ماه مبارک رمضان سال دوم هجری، جنگ مهم و مشهور بدر رخ داد. پیامبر ﷺ همراه ۳۱۳ تن از مهاجران و انصار، سپاه حدوداً هزارنفری قریش را شکست دادند. ده‌ها نفر از مشرکان کشته و ده‌ها نفر نیز اسیر شدند. از مسلمانان چهارده تن به شهادت رسیدند. غنایم زیادی نیز به دست مسلمانان افتاد (ابن هشام، ۱۴۳۸ق، ۱: ۳۲۱).

۳. جنگ احد

جنگ احد در شوال سوم هجری اتفاق افتاد. لشکر مدینه هفتصد تن و سپاه مکه سه‌هزار تن بود. مسلمانان در این جنگ شکست خوردند و ۷۵ تن از آنان به شهادت رسیدند (همان).

۴. غزوة بنی قینقاع

بنی قینقاع نخستین گروه از یهودیان بودند که نقض پیمان کردند (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ۲: ۱۳۷). آن‌ها گستاخانه برای رسول خدا ﷺ رجزخوانی و حماسه‌سرایی و ایشان را تهدید به جنگ کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۷۱). پیامبر ﷺ پناهگاه‌های بنی قینقاع را محاصره کردند. با

طولانی شدن محاصره، یهودیان تسلیم شدند. با مداخله و میانجیگری عبدالله بن ابی، که هنوز در مدینه نفوذ داشت و با یهود بنی قینقاع هم‌پیمان بود، پیامبر ﷺ از کشتن آن‌ها صرف‌نظر کردند، ولی دستور دادند از مدینه خارج شوند. همچنین، همهٔ دارایی آن‌ها ضبط شد و به دست مسلمانان افتاد. پیامبر ﷺ خمس مجموع اموال را برداشتند و مابقی را میان سپاه اسلام تقسیم کردند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۷۱).

۵. غزوةٔ بنی‌نضیر

طایفهٔ بنی‌نضیر نیز برخلاف پیمانی که با پیامبر ﷺ بسته بودند، همواره ضد پیامبر ﷺ توطئه می‌کردند. علنی شدن ستیز یهودیان بنی‌نضیر با ترور ناموفق پیامبر ﷺ و بی‌نتیجه ماندن همهٔ تلاش‌های رسول خدا ﷺ برای ارشاد و هدایت این گروه سبب شد که پیامبر ﷺ به محاصرهٔ قلعه‌های بنی‌نضیر بپردازند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۴۶). با تسلیم شدن بنی‌نضیر، دومین گروه از یهودیان مدینه نیز در مقابل رسول خدا ﷺ سر تعظیم فرود آوردند (الذهبی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۵۳). پس از شکست بنی‌نضیر، غنایم این قوم تصرف شد، ولی از آنجاکه این اموال بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآمده بود، طبق دستور الهی به پیامبر ﷺ اختصاص یافت، که ایشان نیز اموال را میان مهاجران تقسیم فرمودند (طبری، ۱۳۹۸، ۳: ۱۰۵۸).

۶. غزوةٔ بنی‌قریظه

پیامبر ﷺ پس از فراغت از نبرد احزاب، لشکر اسلام را به سوی سرزمین بنی‌قریظه گسیل داشتند و قلاع آنان را در محاصره گرفتند. با طولانی شدن مدت محاصره، یهودیان به‌ناچار تسلیم شدند و پیروزی بزرگی نصیب مسلمانان شد (احزاب: ۲۶-۲۷). بنا بر اصرار قبیلهٔ اوس، که پیش از تشکیل حکومت نبوی با بنی‌قریظه هم‌پیمان بودند، مقرر شد سعد بن معاذ، رئیس قبیلهٔ اوس، دربارهٔ آنان داوری کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، ۳: ۲۳۳). نظر سعد بن معاذ مبنی بر اعدام مردان جنگی و تقسیم اموال و اسارت زنان و فرزندان یهود، بنی‌قریظه را بهت‌زده کرد؛ اما هیچ‌گونه روزنه‌ای برای اعتراض آنان باقی نبود: حکم سعد بن معاذ برگرفته از تورات بود و به‌طور کامل با قوانین جزای شریعت یهود انطباق داشت (عقاد،

۱۳۹۲، ۸۵). در ضمن، حکم متناسب با معاهده‌ای بود که میان رسول‌الله ﷺ و یهود منعقد شده بود و پیامبر ﷺ عین دستورالعمل معاهده‌ای را اجرا کردند که حُیی بن اخطَب از جانب بنی قریظه آن را امضا کرده بود (الطبرسی، ۱۴۳۸ق، ۶۹).

در پیمان‌نامه رسول‌الله ﷺ با قبایل سه‌گانه یهود (بنی قنیقاع، بنی نضیر و بنی قریظه) چنین آمده بود: «یهود نباید ضد پیامبر ﷺ با یکی از یارانش به زبان، دست، اسلحه، مرکب، نه در پنهان و نه در آشکارا، نه در شب و نه در روز اقدامی انجام دهد، و خداوند بر این پیمان گواه است. پس، اگر یهود این تعهدات را نادیده بگیرد، رسول خدا ﷺ می‌تواند خون ایشان را بریزد، زن و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را مصادره کند» (همان).

در این قضیه، می‌توان به نوآوری مصادره بر مبنای قرارداد یا معاهده اشاره کرد^۱ که در صورت پیمان‌شکنی دشمن، می‌توان اموال دشمن را مصادره کرد یا می‌توان دشمن را از سرزمینش اخراج و اموال را مصادره کرد؛ زیرا بر اثر فتح و اشغال یک سرزمین، حاکمیت آن به فاتح منتقل می‌شود. اما مسئله چگونگی اداره سرزمین فتح‌شده از همان صدر اسلام موضوعی اختلاف‌برانگیز بود و در سنت نبوی روش واحدی برای آن یافت نمی‌شود؛ زیرا رسول خدا ﷺ مثلاً سرزمین مفتوح‌العنوه را بین سپاهیان خود همچون غنیمت توزیع فرمودند. اما در مواقع دیگر نه تنها مغلوبان را آزاد می‌ساختند، بلکه اجازه تعرض به ایشان و به غنیمت گرفتن اموالشان را نیز نمی‌دادند. البته باید خاطر نشان کرد که تقسیم سرزمین‌العنوه توسط پیامبر ﷺ میان سربازانشان فقط در قضیه بنی نضیر و بنی قریظه اتفاق افتاد. در قضیه بنی نضیر، پیامبر ﷺ فقط به اخراج یهودیان آنجا رضایت و اجازه دادند که هرکس یک بار شتر از اموالش را ببرد و در نتیجه، بقیه اموال و املاکشان خالی و بی‌صاحب شد و در اختیار رئیس حکومت قرار گرفت، ولی در قضیه بنی قریظه، داوری از سوی پیامبر ﷺ تعیین شد که این داور بر اساس کتاب مقدس خودشان حکم کرد و در نتیجه، همه املاکشان

۱. در زمان پیامبر ﷺ مصادره بر مبنای قرارداد و معاهده وجود داشته است؛ اما امروزه هرچند معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی، معاهدات حقوق بشری و... وجود دارد، هنگام جنگ به آن اهمیتی نمی‌دهند. از جمله این معاهدات می‌توان به معاهده ۱۷۸۷ میان روسیه و ناپل، و معاهده ۱۷۸۵ میان ایالات متحده و پروس اشاره کرد.

بی‌صاحب شد. دلیل این تفاوت حکم این بود که پیامبر ﷺ در قضیهٔ بنی‌نضیر دربارهٔ یهودیان رأفت و ارفاق بسیاری قائل شده بودند، اما آنان به جای سپاسگزاری، اقدام به محاصره و حفر خندق کردند و درست پیش از محاصره موجب شدند که پیامبر ﷺ با سپاهی کوچک به دومة الجندل^۱ بروند (جاوید و دیگران، ۱۳۹۵، ۴۱).

اما در حقوق بین‌الملل معاصر دربارهٔ مصادرهٔ اموال، کنوانسیون‌های مربوط به جنگ، حقوق جنگ و معاهدات بشردوستانه وجود دارد که کشورها متعهد به آن شده‌اند؛ هرچند دولت‌ها به آن عمل نمی‌کنند.

جنگ‌های جهانی

۱. جنگ جهانی اول^۲

جنگ جهانی اول که با نام‌های جنگ بزرگ و جنگی برای پایان همهٔ جنگ‌ها نیز شناخته می‌شود، جنگی جهانی بود که از ۲۸ ژوئیهٔ ۱۹۱۴ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ میلادی رخ داد و در پی آن، سربازان بسیاری برای جنگ تجهیز و مناطق بسیاری از جهان درگیر جنگ شدند. تلفات جنگ جهانی اول تا آن زمان در تاریخ جنگ‌های جهان بی‌سابقه بود. در این جنگ، برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی استفاده و به گونه‌ای انبوه مناطق غیرنظامی بمباران هوایی شد.

در پی ترور آرشیدوک فرانتس فردیناند، ولیعهد امپراتوری اتریش-مجارستان در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ توسط ملی‌گرای صرب، گاوریلو پرنسیپ، در سارایوو، اتریش-مجارستان جهت انجام چندین خواسته، به صربستان ضرب‌الاجل فرستاد و به دنبال برآورده نشدن آن‌ها، به این کشور حمله کرد. امپراتوری روسیه به‌عنوان متحد سنتی صربستان، دست به بسیج نیروهای خود زد که موجب نگرانی امپراتوری آلمان متحد اتریش-مجارستان شد. آلمان برای جلوگیری از جنگ دو طرفه، به متحد روسیه یعنی فرانسه حمله کرد. برای سرعت بخشیدن به روند حمله به خاک فرانسه، ارتش آلمان برای دور زدن خط دفاعی این کشور،

۱. مکانی نزدیک مدینه.

2. World war I.

طرح اشلیفن را اجرا کرد که به موجب آن، نیروهای آلمانی از خاک بلژیک برای حمله به فرانسه عبور می‌کردند. تجاوز آلمان به خاک بلژیک باعث شد امپراتوری بریتانیا نیز به‌عنوان ضامن استقلال این کشور، به آلمان اعلان جنگ دهد. با ورود تدریجی متحدان دو طرف، مدت‌ها هیچ‌یک از دو سو نتوانستند به پیروزی مهمی دست یابند و جنگ چهار سال به‌درازا انجامید و نزدیک به ده‌میلیون نفر کشته بر جای گذاشت. سرانجام، با پیروزی متفقین و پایان جنگ در سال ۱۹۱۹ میلادی، با برگزاری کنفرانس صلح پاریس، معاهده‌های جداگانه‌ای امضا شد که تاوان بسیار سنگینی بر شکست‌خوردگان جنگ تحمیل کرد. از دلایل آغاز جنگ جهانی اول می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) رقابت اتریش و روسیه در بالکان؛

ب) اختلاف بین فرانسه و آلمان از سال ۱۸۷۰ درباره آلتاس و لرن؛

پ) رقابت اقتصادی و دریایی بین آلمان و انگلیس.

۲. جنگ جهانی دوم^۱

جنگ جهانی دوم به دلایل بسیاری آغاز شد. بعضی از دلایل اصلی بحران اقتصادی و تورم و درخواست غرامت جنگی از آلمان پس از جنگ جهانی اول و رکود اقتصادی و نیاز ژاپن به مواد اولیه بود (China's Declaration, 2019).

جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹۴۵ میلادی طول کشید. بیشتر کشورهای جهان از جمله قدرت‌های بزرگ در این جنگ شرکت کردند و کم‌کم در قالب دو اتحاد نظامی در برابر هم قرار گرفتند: دسته نخست متفقین و دسته دوم نیروهای محور یا متحدین نام داشتند. این دو اتحاد نظامی جنگی تمام‌عیار به‌راه انداختند که بر اثر آن بیش از صد میلیون تن در بیش از سی کشور جهان درگیر شدند. بیشتر شرکت‌کنندگان در این جنگ، همه قدرت اقتصادی، صنعتی و توانایی‌های علمی‌شان را در جهت پشتیبانی نظامی بسیج کردند؛ تا جایی که مرز هزینه از نیروی نظامی و غیرنظامی نامشخص بود. برآورد کشته‌های جنگ جهانی دوم حدود هفتاد تا ۸۵ میلیون انسان است که آن را به مرگ‌آورترین نبرد در

تاریخ زندگی انسان تبدیل می‌کند. بمباران استراتژیک و درگذشتگان بر اثر گرسنگی شدید و بیماری و دست‌آخ‌ر کشته‌شدگان بر اثر جنگ‌افزارهای هسته‌ای، در آمار خسارت انسانی جنگ جهانی دوم شمرده می‌شوند (Ibid).

در مقایسهٔ جنگ‌های صدر اسلام و جنگ‌های جهانی این نتیجه حاصل می‌شود که جنگ‌های صدر اسلام بیشتر حالت دفاعی و پیش‌دستانه و پیشگیرانه داشته و برای جلوگیری از حملهٔ ناگهانی قریش و یهودیان انجام شده است، اما جنگ‌های جهانی بیشتر با حالت کشورگشایی، رقابت بین ابرقدرت‌ها، انتقام از جنگ‌های پیشین، بازار کار، آزمایش سلاح‌های جنگی، منافع اقتصادی و... رخ داده است. با توجه به اینکه اهداف جنگ‌های دو دوره متفاوت است، مصادرهٔ اموال نیز با اهداف متفاوت و فراگیر صورت می‌گیرد.

چهارچوب نظری

هدف اصلی پژوهش پیش‌رو جلوگیری از اتهام‌زنی به ساحت مقدس ائمهٔ معصومین^{علیهم‌السلام} به‌عنوان راهزن و غاصب، چگونگی مقابله به‌مثل پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} با قریش، تشخیص اموال بیت‌المال، ضرورت مصادرهٔ اموال و تأثیر مصادرهٔ اموال دشمن در روند جنگ و... است.

۱. مصادرهٔ اموال در صدر اسلام

برخی مستشرقان با تفکیک وقایع دوران مکه از مدینه، برآن‌اند که جنگ‌گریزی پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در دوران مکه ناشی از ضعف بنیهٔ نظامی ایشان بوده و بدون توجه به ماهیت رسالت آن حضرت، خواسته‌اند از ایشان چهره‌ای جنگ‌طلب بسازند و چنین بنمایند که اسلام به زور شمشیر گسترش یافته است. همچنین، شماری از آنان با توجه به حملات مسلمانان مهاجر به کاروان‌های تجاری مشرکان مکه که به انگیزهٔ جبران بخشی از اموال مصادره‌شدهٔ خود در ابتدای هجرت صورت می‌گرفت، نسبت‌های ناروایی به آن حضرت داده‌اند (مونتسکیو، ۱۳۹۸، ۶۷۱). مارشال هاجسون^۱ از لغت «تاخت‌وتاز، یورش و هجوم آوردن»^۲ برای اقدام مسلمانان در برابر کاروان‌های تجاری قریش استفاده کرده است. او بر آن است که در

1. Marshall G. S. Hodgson.

2. Raid.

فرهنگ عرب، غارت قبیله بالاتر از سوی قبیله پایین‌تر به‌منظور جبران کاستی‌ها امری متداول بود و مسلمانان نیز پس از هجرت به آن مبادرت کردند (Hodgson, 1957, v. 1: 23). میرچا الیاده^۱ می‌نویسد: «محمد و مهاجران برای امرار معاش خود، به کاروان‌های مکیان حمله می‌کردند» (الیاده، ۱۳۹۶، ۳: ۴۵).

حال با توجه به نظرهای مطرح‌شده، به بررسی مصادرهٔ اموال در صدر اسلام می‌پردازیم. مصادیق مطرح‌شده در موارد مصادرهٔ اموال، تأکید بر اموال مصادره‌شده توسط مسلمانان بر اموال قبایل دیگر است.

الف) پیامبر ﷺ و مصادرهٔ اموال

قریش به‌عنوان دشمن پیامبر ﷺ و دین اسلام، برای جلوگیری از پیوستن افراد به پیامبر ﷺ و مسلمان شدن آنان، شروع به آزار و اذیت، شکنجه، زندانی و مصادرهٔ اموال افراد می‌کردند؛ تا جایی که عدهٔ زیادی از آن‌ها مال و اموال خود را رها کردند و به مدینه رفتند. پس، اموال مسلمانان مهاجر مقیم مدینه، از طرف قریش مصادره شده بود. با ورود کاروان به سرزمین بدر، بسیار به‌موقع بود که مسلمانان کالاهای تجاری آن‌ها را ضبط کنند. قریش بر عناد و لجابت خود در مصادرهٔ اموال مسلمانان مهاجر استقامت ورزیدند و مسلمانان متقابلاً کالاهای تجاری را میان خود به‌عنوان غنیمت جنگ تصرف کردند. از این رو، رسول خدا ﷺ رو به اصحاب خود کردند و فرمودند: هان ای مردم، این کاروان قریش است. می‌توانید برای تصرف اموال خویش، از مدینه بیرون بروید؛ شاید گشایشی در کار شما رخ دهد. سخن پیامبر ﷺ می‌رساند که رسول گرامی ﷺ به آنان نوید گشایش در زندگی داده‌اند. وسیلهٔ این گشایش ضبط کالاهایی بود که قریش آن را حمل می‌کرد. معجز این مسئله همان بود که قریش همهٔ دارایی‌های مهاجران را در مکه ضبط می‌کرد و به آنان اجازهٔ رفت‌وآمد به محل زندگی‌شان را نمی‌داند. همهٔ اموال منقول و غیر منقول آنان در مکه متروک مانده بود (سبحانی، ۱۳۹۷، ۴۵۶). محمد هادی یوسفی غروی می‌نویسد: «چون کفار قریش اموال مسلمین را گرفته و مصادره کرده بودند، رسول ﷺ خواستار قصاص بود» (یوسفی غروی، ۱۴۳۳ق، ۲: ۵۶۹).

در قضیهٔ جنگ بدر نمی‌توان اصطلاح مصادره را مطرح کرد؛ زیرا مصادره تحت تملک گرفتن اموال دیگری است، درحالی‌که در این قضیه مسلمانان اموال متعلق به خود را از کفار پس گرفتند؛ چون قریش پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان را از وطنشان اخراج و اموال آنان را مصادره یا توقیف کردند. طبیعتاً برای افراد خسارت‌دیده این حق محفوظ است که خسارات واردشده را از واردکنندگان خسارت دریافت کنند. جلوگیری از عبور آزادانهٔ کاروان‌های تجاری قریش نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود که تعبیر «راهزنی» واژه‌ای مناسب برای آن نیست و گویا پیامبر ﷺ به نوعی مقابله به مثل، و با توجه به اوضاع و احوال و شرایط موجود، اقدام به مصادره کرده‌اند.

ب) امام حسین ﷺ و مصادرهٔ اموال یزید

کاروان امام حسین ﷺ پس از خروج از مکه، به منزلی به نام «تنعیم»^۱ رسید (حسینی دشتی، ۱۳۹۷: ۶۸۶). آنچه تنعیم را برای تاریخ‌نگاران عاشورایی مهم ساخته، اتفاقی است که در این منزل رخ داده است؛ اگرچه رخداد آن همانند بسیاری وقایع تاریخی، در پرده‌ای از ابهام است.

طبری در تاریخ مشهور خود می‌نویسد:

آن‌گاه حسین ﷺ برفت تا به تنعیم رسید و کاروانی را آنجا دید که از یمن می‌آید و بحیر بن ريسان حمیری که از جانب یزید عامل یمن بود برای وی فرستاده بود. بار کاروان روناس و حله بود که پیش یزید می‌بردند. حسین ﷺ کاروان را گرفت و همراه برد. پس از آن به شتربانان گفت: «شما را مجبور نمی‌کنم. هرکه خواهد با ما به عراق آید کرایهٔ او را می‌دهیم و مصاحبتش را نکو می‌داریم و هرکه نخواهد و همین‌جا از ما جدا شود کرایهٔ او را به مقدار مسافتی که پیموده می‌دهیم.» گویند هرکس از آن‌ها که از وی جدا می‌شد حساب کردند و حق او را بدادند و هرکس از آن‌ها که همراه وی رفت کرایهٔ وی داد و جامه پوشانید (طبری، ۱۳۹۸، ۷: ۲۹۶۸).

۱. تنعیم موضعی است بیرون حرم مکه، مابین مکه و سرف؛ به دوفرسنگی مکه. مناسک عمره از آنجا عمل می‌آید. بدین جهت به تنعیم موسوم شده که کوه نعیم از سمت راست و کوه ناعم از جهت شمال آن واقع است و خود آن وادی را نعمان گویند.

هرچند به نظر می‌رسد عده‌ای عمل امام حسین علیه السلام را نوعی راهزنی و مصادره می‌دانند، این عمل امام حسین علیه السلام به نوعی مواردی را ثابت می‌کند: ۱. بنی‌امیه همگی غاصب‌اند و تصرفات آن‌ها غیر شرعی و حرام است. پس، خلیفه هر عصری امام معصوم همان عصر است و سایر تصرفات و مداخلات باید با اجازه آن‌ها باشد و در عصر غیبت با اذن فقهای عادل است؛ ۲. عمل امام حسین علیه السلام مشروع نبودن حکومت‌های غاصب را می‌رساند و اعلان می‌کند که این اموال مربوط به بیت‌المال است و معاویه و یزید حق تصرف در این اموال را ندارند. مشروعیت زمانی حاصل می‌شود که شکل سلطه سیاسی مستقر و موجود، در قالب حکومت یا هر نوع دیگر، با ارزش‌ها و باورهای عمومی جامعه همسو باشد. از طرفی قانونی بودن لزوماً تضمین نمی‌کند که حکومت مورد احترام باشد یا شهروندان خود را موظف به اطاعت از آن بدانند (قربان‌زاده سوار و ایزدی، ۱۳۹۵، ۹: ۳۴)؛ ۳. از آنجاکه امام حسین علیه السلام و یزید در حال آماده شدن برای جنگ بودند، در صورت صحت، به دلیل شرایط جنگی ناصواب نیست؛ زیرا به نوعی «تاکتیک نظامی و تبلیغی» است؛ یعنی حرکتی در جهت تضعیف اقتصادی دشمن و تقویت خویش است.

پ) مصادره اموال یتیم در جنگ

در اسلام توصیه شده است که مال یتیم را به نفع خود مصادره نکنید. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان در نبردهای خود پس از کشتن دشمنان، اموال آنان را به غنیمت می‌گرفتند و به فرزندان یتیمشان باز نمی‌گرداندند؟

قرآن کریم می‌فرماید: «مال یتیم را نخورید» (نساء: ۲، ۶ و ۱۰). ولی قیاس آن با اموال کافر حربی^۱ از جهت منطقی اشتباه است؛ چون خود قرآن در جای دیگری همه اموال کافر حربی را در صورتی که با مسلمانان به نبرد برخیزد، از آن مسلمانان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۲۰۴).

پس، فقها گفته‌اند اگر مسلمانان به امر پیامبر یا امام با کافر حربی بجنگند، به چیزهایی که در جنگ به دست می‌آورند غنیمت گفته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ۱۹۱).

۱. کفار حربی کسانی هستند که جان، مال و اسارت زنان و کودکانشان حلال باشد.

واکاوی ضرورت مصادرهٔ اموال دشمن در جنگ ... - علی دلدار (۳۵۷-۳۲۹) / ۳۴۵

کافر حربی که در سرزمین کفر مسلمان شده، در صورت چیره شدن مسلمانان بر آن سرزمین، جان و اموال منقولش مانند اثاث منزل، وسیلهٔ نقلیه و جواهرآلات محفوظ و محترم است و تعرض به آن‌ها جایز نیست، ولی اموال غیر منقولش مانند زمین و خانه غنیمت مسلمانان است (نجفی، ۱۴۱۹ق، ۲۱: ۱۴۳).

پس، قاعدهٔ عرفی پذیرفته شده در جنگ‌ها این است که جنگجویان جان و مال خود را با ورود به نبرد، در معرض خطر می‌انداختند؛ بدین ترتیب که با کشته شدن فرد جنگجو یا فرار او از صحنهٔ نبرد، اموالش به دست دشمن می‌رسد و اساساً اثری باقی نمی‌ماند تا در آن دخل و تصرفی انجام شود. به عبارت دیگر، شخص با ورود به جنگ همان‌طور که جان خود را به خطر انداخته، پذیرفته است که مالش در صورت شکست، به دست دشمن بیفتد و بر همین اساس، خود جنگجو مال خود را نابود کرده و آنچه در نبرد از دست داده است، عرفاً از اموالی به‌شمار نمی‌آید که به یتیمانش منتقل شود و به همین دلیل، در این‌گونه موارد، تصرف در مال یتیم معنایی نخواهد داشت.

هرچند خودداری از مصادرهٔ اموال یتیم در قرآن یادآوری شده است، امروزه در بین کشورهای اسلامی و غیراسلامی به آن عمل نمی‌شود و اموال اعم از نظامی، غیرنظامی و اموال یتیم مصادره می‌شود.

جدول ۲. مصادرهٔ اموال در جنگ در صدر اسلام

موضوع	زمان	مالکیت	نوع مصادره	نتیجه
جنگ نخله	ماه حرام	اموال دشمن	نامشروع	از آنجاکه جنگ در ماه‌های حرام ممنوع بود، پیامبر ﷺ به این مصادره عکس‌العمل تندی نشان دادند.
جنگ بدر	سال دوم هجرت	اموال غصبی مردم (تصرف عدوانی)	مشروع	اموال مسلمانان در مکه به اجبار و نامشروع توسط حکام قریش ضبط شده بود. کالای تجاری قریش همان اموال مسلمانان بود و ملک خودی محسوب می‌شد و

پيامبر ﷺ مسلمانان را به گرفتن اموال خودی تشويق و به‌نوعی مقابله به‌مثل کردند.				
از آنجا که يهوديان بر مبنای قراردادى که با پيامبر ﷺ مبنی بر در امان بودن آن‌ها و خروج از سرزمينشان بدون خون‌ريزی بود، نوع مصادره مشروع است.	قراردادی	اموال دشمن	جنگ بين پيامبر ﷺ و يهوديان	قبایل سه‌گانه ^۱ يهود
از آنجا که بيت‌المال از اموال حکومت محسوب می‌شود و فقط حاکمان حق دخل و تصرف در آن را دارند، امام حسين ﷺ نیز حاکم بحق زمان خود بودند و يزید حکومت را به‌ناحق غصب کرده بود.	مشروع	اموال بيت‌المال	هنگام عزيمت از مکه به کربلا	کالای تجاری يزید
با کشته شدن یا فرار جنگجویان، اموال آن‌ها به دست دشمن می‌افتد و مالی باقی نمی‌ماند که به وراثت برسد و مصادره شود. پس، آن‌ها مال خود را به‌نوعی نابود کرده‌اند، و تصرفی صورت نمی‌گیرد.	مشروع	اموال کافر حربی	جنگ	اموال يتيم

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۲. مصادره اموال در جنگ‌های جهانی

در آغاز قرن هجدهم، حقوق عرفی دولت‌ها دربارهٔ اتباع بیگانه‌ای که به‌واسطهٔ بروز مخاصمهٔ مسلحانه به اتباع دشمن بدل می‌شدند، بسیار سخت و خشن بود و با وقوع درگیری، اتباع بیگانه و اموال و دارایی‌هایشان از هیچ حمایتی خاصی برخوردار نبودند. نظریه‌پردازان انگلیسی^۲ معتقد بودند: «هیچ چیزی روشن‌تر از حق دولت بریتانیا در اخراج

۱. بنی قنیقاع، بنی نضیر و بنی قریظه.

2. Marsh, 1899.

اتباع کشور دشمن و اموالشان در زمان مخاصمه نیست»؛ اما در اواخر این قرن معاهدات تجارت و دریانوردی متعددی منعقد شدند تا با وقوع مخاصمه، از اتباع دشمن و اموالشان محافظت کنند. از جملهٔ این معاهدات می‌توان به معاهدهٔ ۱۷۸۷ میان روسیه و ناپل، و معاهدهٔ ۱۷۸۵ میان ایالات متحده و پروس اشاره کرد (طباطبایی و حکمتی مقدم، ۱۴۴۱ق، ۲۱: ۱۳۳۰).

مالکیت و اموال اتباع مصون از تعرض و مصادره هستند، پس در جنگ دولتها و اتباع نمی‌توانند هنگام ورود به خاک دشمن، اموال اتباع را به غارت ببرند و توقیف یا تصاحب نمایند. اما در مواردی که ضرورت جنگی ایجاد نماید با شرط پرداخت غرامت می‌توانند از آن استفاده کنند.

الف) فعالیت اقتصادی دشمن

اعلان جنگ موجب توقف هرگونه فعالیت اقتصادی میان اتباع کشورهای متخاصم با یکدیگر می‌شود و مبادلات اقتصادی میان طرفین را قطع می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۵، ۸۱). دشمن از دو جنبه به فعالیت اقتصادی توجه می‌کند:

اول. ممنوعیت تجارت با دشمن: یکی از جلوه‌های قطع روابط خصوصی میان اتباع کشورهای متخاصم با یکدیگر، ممنوعیت تجارت است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸، ۹۲). امروزه قاعدهٔ ممنوعیت تجارت با دشمن از قواعد عام حقوق بین‌الملل است. این قاعده مکان خاصی در حقوق داخلی بعضی کشورها نیز دارد؛ بدین صورت که «قوانین داخلی به طور کلی ممنوعیت تجارت با دشمن را با ضمانت اجرای کیفری و مدنی (بطلان قراردادهای) اعلام داشته‌اند» (Reuter, 1973: 374).

در این خصوص می‌توان به قضیهٔ اینترهاندل^۱ میان سوئیس و امریکا اشاره کرد. شرکت جی‌ای‌اف^۲ شرکتی ثبت شده در امریکا بود. سهام این شرکت به شرکت آلمانی I.G.Farben Cimpany of Frankfurt تعلق داشت یا آنکه جی‌ای‌اف به نوعی توسط شرکت آلمانی کنترل

1. Interhandel.

2. General Aniline and Film Corporation.

می‌شد (اینترهاندل، ۱۹۵۹: بند ۶۵). اختلاف در این نیست که تا سال ۱۹۴۰ شرکت I.G.Farben از طریق شرکت I.G.chemie company of Basl شرکت جی‌ای‌اف را تحت کنترل داشته است. اما دولت سوئیس مدعی بود که رابطه میان شرکت آلمانی و شرکت سوئیس در سال ۱۹۴۰ قطع شده است. شرکت سوئیس نام Societe inter nationale pour participation industrielles et Commerciales .S.A (اینترهاندل) را اختیار کرد. بزرگ‌ترین رقم دارایی این شرکت مشارکت در جی‌ای‌اف بود. در سال ۱۹۵۴، به موجب موافقت‌نامه موقت میان سوئیس، امریکا، فرانسه و بریتانیا، اموال متعلق به آلمانی‌ها در سوئیس مسدود شد. اداره غرامت سوئیس وظیفه کشف این اموال را برعهده گرفته بود. در جریان این تحقیقات، مسئله اینترهاندل مطرح شده بود، اما اداره مذکور معتقد بود این مطلب اثبات شده که این شرکت پیوندهای خود را با شرکت آلمانی قطع کرده است و بنابراین، ضرورتی در جهت مسدود ساختن دارایی‌های آن در سوئیس نمی‌دید. دولت ایالات متحده به سهم خود، با اعتقاد به اینکه اینترهاندل همچنان از سوی I.G.Farben کنترل می‌شود، به یافتن شواهدی بر این کنترل ادامه داد. مقامات فدرال سوئیس در این اوضاع و احوال به اداره غرامت سوئیس دستور دادند موقتاً دارایی‌های اینترهاندل را مسدود سازد. در ۲۵ مه ۱۹۴۶، موافقت‌نامه‌ای میان متفقین و سوئیس در واشنگتن منعقد شد. سوئیس تعهد کرد که تحقیقات خود را دنبال و اموال آلمان را در سوئیس تسویه کند. اختیار چنین عملی به اداره غرامت، با همکاری کمیسیون مشترکی مرکب از نمایندگان هریک از چهار دولت سپرده شد. در صورت بروز اختلاف میان کمیسیون مشترک و اداره غرامت یا چنانچه طرف ذی‌نفع مایل بود، موضوع به یک مرجع تجدیدنظر سوئیس قابل ارجاع بود. از سوی دیگر، دولت ایالات متحده می‌بایست دارایی‌های سوئیس در ایالات متحده را آزاد سازد (ماده ۱۴). سرانجام، در صورت بروز اختلاف نظر درباره اجرا یا تفسیر موافقت‌نامه، که به گونه دیگری قابل حل و فصل نبود، باید به داوری توسل جسته می‌شد (Interhandel, 1957: 14).

در این قضیه، هدف اصلی امریکا محروم کردن شرکت‌های دشمن از سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر بود که قصد فرار از سیطره دولت آلمان را داشتند. سرمایه‌گذاران آلمانی با سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر، به عناوین مختلف مانند تغییر تابعیت، تغییر اقامتگاه و

تأسیس شرکت سوءاستفاده کردند، اما دولت امریکا با تصویب قانون منع تجارت با دشمن، از این عمل متقابلانه جلوگیری کرد. حال باتوجه به این ادعای ایالات متحده، می‌توان گفت که اتباع آلمانی قصد ضربه زدن به دولت آلمان را داشته‌اند، و به نوعی به ضرر آلمان عمل کرده‌اند. پس، امریکا نباید هیچ‌گونه اقدام خصمانه‌ای دربارهٔ آن‌ها انجام دهد. از طرف دیگر، دولت سوئیس از ابتدای جنگ بی‌طرفی خود را اعلام کرد و دولت دشمن محسوب نمی‌شد و جنگ نیز پایان یافته و هیچ ضرورتی برای مصادرهٔ اموال باقی نمانده بود و از طرفی هیچ ضرری از مصادرهٔ این اموال به دولت آلمان نمی‌رسید؛ زیرا این اموال غیرنظامی هستند و کمکی به دولت آلمان نمی‌کنند. پس، هیچ ضرورتی برای مصادرهٔ این اموال وجود ندارد.

دربارهٔ اموال دشمن همچنین می‌توان به مصادرهٔ اموال آلمان و ایران در جنگ دوم جهانی توسط شوروی و متفقین اشاره کرد. جنگ جهانی دوم در شرایطی آغاز شد که از همان ابتدای وقوع آن، محاصرهٔ دریایی با هدف ممانعت دشمن از دستیابی به کالای حیاتی توسط طرف‌های درگیر، به‌عنوان یک استراتژی نظامی مورد توجه متفقین قرار گرفت (شجاعی دیوکلائی، ۱۳۹۸، ۱۱۵). در این راستا، کابینهٔ انگلیس در نوامبر ۱۹۴۰ طرح محاصرهٔ دریایی آلمان را تصویب کرد که موجب کندی یا قطع ارتباط آلمان با طرف‌های تجاری از جمله ایران شد. باتوجه به نیاز ایران به صدور مواد اولیه و کسب درآمد و نیاز آلمان به تأمین مواد اولیهٔ موردنیاز صنایع خود به‌ویژه صنایع نظامی این کشور به‌منظور نائل شدن به هدف تأمین فضای حیاتی به‌عنوان شعار اصلی سیاسی-اقتصادی هیتلر مشکلاتی را برای این دو کشور به‌وجود آوردند (همان).

مقامات شوروی کالاهایی را که از ایران به مقصد آلمان خارج می‌شدند به بهانهٔ آلمانی بودن مصادره می‌کردند. از طرف دیگر، کالاهایی که به مقصد ایران وارد می‌شد، به بهانهٔ آلمانی بودن مصادره می‌شد؛ تا جایی که پس از حملهٔ متفقین و شوروی به ایران، آشکارا کالاهایی را که در گمرکات، انبار، کارخانه‌ها و... بود به بهانهٔ آلمانی بودن مصادره کردند (همان، ۱۲۵).

دربارهٔ مصادرهٔ اموال ایران توسط شوروی در جنگ، عبارت «کالای دشمن» و «کالای

بی طرف» کلمه دشمن و بی طرف صفت کالاست؛ بدین معنا که قانون بین‌الملل برای خود کشتی و کالا جنبه خصومت و بی طرفی قائل است، ولی در تشخیص این صفت درباره اشیا اشکالات زیادی هست. درباره کشتی‌ها به طور کلی قاعده این است که خصومت یا بی طرفی کشتی فرع پرچمی است که با پرچم بی طرف حرکت کند (روحانی، ۱۳۳۳، ۴۰، ۹۰). برای تشخیص صفت کالا، به محل اقامت مالک رجوع می‌کنند؛ یعنی اگر مالک آن در خاک دشمن اقامت داشته باشد، صرف نظر از اینکه تبعه چه کشوری است، کالای او را کالای دشمن محسوب می‌کنند، ولی اگر در خاک بی طرف اقامت داشته باشد، حتی اگر تبعه دشمن باشد، کالای او را به‌عنوان کالای بی طرف تلقی می‌کنند. از طرف دیگر، روش کشورهای قاره اروپا این است که صفت کالا فرع تابعیت مالک آن است (همان: ۹۱).

طبق قراردادهای بین‌المللی، محل تحویل کالا مطرح است؛ یعنی فروشنده متعهد می‌شود که کالا را در مقصد یا هر مکانی که طبق قرارداد مشخص شده تحویل دهد و مالکیت کالا تا زمانی که به خریدار تحویل داده نشده، با فروشنده است. پس، اموالی که به آلمان تحویل داده نشده اموال ایران محسوب می‌شود و مصادره این نوع کالا ظالمانه است. از طرف دیگر، برای شوروی هیچ ضرورتی ندارد که اموال غیرنظامی ایرانی را مصادره کند و از لحاظ کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز عملی غیرقانونی محسوب می‌شود؛

دوم. بطلان قراردادهای خصوصی با دشمن: در این خصوص می‌توان به مصادره کشتی‌های نیروزی توسط امریکا^۱ اشاره کرد. این اختلاف ناشی از یک‌سری اقدامات اداری و تقنینی بود که توسط ایالات متحده در جریان جنگ اول جهانی و به‌منظور آماده‌سازی ایالات متحده برای شرکت در جنگ صورت گرفته بود. از جمله این اقدامات، پس‌گیری و تصرف کشتی‌هایی بود که در کارخانه‌های کشتی‌سازی ایالات متحده تولید شده بودند و این اقدام شامل کشتی‌هایی که به سفارش اتباع خارجی تولید شده بود نیز می‌شد. در این

1. Norwegian Shipowners claims.

۲. دولت امریکا طی جنگ اقدام به مصادره اموال شرکت کشتی‌سازی نیروزی جهت استفاده از امکانات آن در جنگ کرد.

قانون مقرر شده بود که قراردادهای موجود برای ساخت کشتی که به واسطهٔ شرکت دولتی امریکایی منعقد شده بودند ابطال شوند. از افرادی که برای تولید کشتی، سفارشی را برای این شرکت امریکایی تنظیم کرده بودند، برخی اتباع نروژ بودند که تحت تأثیر این اقدامات قرار گرفتند و دولت نروژ تلاش کرد خساراتی را علاوه بر آنچه در قانون ایالات متحده مقرر شده بود، برای آنان وصول کند، اما این اقدام دولت نروژ نتیجهٔ عملی دربرداشت و موضوع به داوری ارجاع شد. ایالات متحده اعتقاد داشت که وقایع اشاره شده را نمی توان به مثابه مصادرهٔ حقوق قراردادی دانست و بر این نظر بود که اصولاً حقوق قراردادی به عنوان حقوق مالکانه قلمداد نمی شوند. دیوان داوری با ارجاع به قوانین داخلی ایالات متحده و نروژ، این استدلال کلی را مردود دانست و باتوجه به وقایع ثبت شده در پرونده، ابطال قراردادها را به عنوان مصادره شناسایی کرد (Norwegian Shipowners, 1921: 35).

در این قضیه، هر چند امریکا کشتی های نروژی را به عنوان ضرورت نظامی و حفظ منفعت اساسی^۱ مصادره کرده، برای حفظ منفعت اساسی، مصادرهٔ کشتی ها تنها گزینه برای امریکا نبوده است؛ زیرا امریکا در آخرین روزهای جنگ وارد جنگ شد و از طرفی، به او حمله نشده بود (قریب الوقوع)، بلکه برای کمک به کشورهای اروپایی وارد جنگ شده بود. پس، ابتدا باید تمام امکانات و تجهیزات جنگی خود را برای ورود به جنگ پیش بینی می کرد و سپس وارد جنگ می شد. بنابراین، ضرورت نظامی و منفعت اساسی امریکا چنین اقتضایی نداشته و مصادره غیرقانونی بوده است؛ زیرا هیچ ضرورتی برای ورود به جنگ نبوده است.

ب) اموال اتباع دشمن (مقررات عهدنامهٔ ۱۹۰۷)

تا سال ۱۹۱۴، مطابق اصل حاکم بر وضع اموال اتباع کشورها در قلمرو دشمن، مالکیت خصوصی اتباع دشمن احترام و رعایت می شد، اما مالکیت عمومی یا دولتی تابع قاعدهٔ مصادره بود (عهدنامهٔ لاهه، ۱۹۰۷: مادهٔ ۴۸-۴۶). با آغاز جنگ اول جهانی، این قاعده

۱. در ضرورت نظامی و منفعت اساسی باید به سه عنوان قریب الوقوع بودن، پیش بینی ناپذیر بودن و غیرارادی بودن وقوع حادثه توجه کرد.

کاملاً نادیده انگاشته و اصلی مغایر با آن حاکم شد که به موجب آن هریک از کشورهای متخاصم می‌تواند اموال خصوصی اتباع کشورهای دشمن در حال جنگ را نیز مصادره و ضبط کند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸، ۹۳).

اموال کشورهای بیطرف و اتباع آنها در جنگهای دریایی، قاچاق کالا و کمک به دشمن ممکن است مورد مصادره قرار بگیرد. کشتی‌های کشورهای بیطرف معمولاً مصادره قرار نمی‌گیرند و در صورت دستگیری نباید آنرا به تصاحب خود درآورند، بلکه باید آنرا به دادگاه کشور خود فرستاده تا رسیدگی کنند و بر علیه کشتی و کالای بیطرف رای صادر کنند.

در این زمینه می‌توان به قضیه نوت‌بام^۱ اشاره کرد. نوت‌بام در سال ۱۸۸۱ در هامبورگ آلمان متولد شد. وی در سال ۱۹۰۵ به گواتمالا رفت و به فعالیت‌های تجاری در آنجا پرداخت. فعالیت‌های بازرگانی او در گواتمالا به سرعت گسترده شد و این کشور مقر اصلی فعالیت‌های تجاری نوت‌بام محسوب می‌شد. او طی سفری که در سال ۱۹۳۱ به لیختن‌اشتاین داشت، درخواست کسب تابعیت این کشور را کرد. در سال ۱۹۳۹ با این درخواست موافقت شد (Nottebohm, 1955: 3).

نوت‌بام در سال ۱۹۴۰ دوباره به گواتمالا بازگشت. سه سال بعد، مقامات کشور مزبور وی را دستگیر کردند و به دولت امریکا تحویل دادند. گفتنی است که نوت‌بام هیچ‌گاه اقدام به تحصیل تابعیت کشور گواتمالا نکرده بود. او به مدت دو سال و سه ماه در امریکا توقیف شد. در سال ۱۹۴۴ گواتمالا اموال نوت‌بام را بدون پرداخت غرامت مصادره کرد. پس از خروج او از امریکا، دولت گواتمالا به او اجازه ورود به این کشور را نداد. در سال ۱۹۴۶ او اقامت در لیختن‌اشتاین را اختیار کرد و اقامت او در کشور تا پایان عمرش ادامه یافت (Ibid: 5).

باتوجه به اینکه نوت‌بام در سال ۱۹۰۵ بدون اینکه جنگی وجود داشته باشد، عزیمت کرده و تا پایان جنگ جهانی دوم نیز به آلمان برنگشته بود، وجود سرمایه نوت‌بام برای آلمان هیچ پشتوانه و منفعت جنگی نداشته است. از طرفی این اموال هیچ‌گونه ضرری هم برای

1. Nottebohm.

امریکا نداشته است؛ زیرا اموال غیرنظامی بوده است. درنهایت، مصادرهٔ اموال نوت‌بام برای گواتمالا (به دستور امریکا) نیز هیچ ضرورت و منفعت نظامی نداشته است. پس، مصادرهٔ اموال وی غیرقانونی و نامشروع تلقی می‌شود.

همچنین، دربارهٔ این موضوع می‌توان به مصادرهٔ اموال توسط شوروی در جنگ جهانی دوم در ایران اشاره کرد. اصلی‌ترین منبع آذوقهٔ شوروی یعنی اوکراین، به دست نیروهای آلمانی افتاد. به همین منظور، دولت شوروی برای ادامهٔ جنگ نیازمند بود که بتواند از طریق آن هزینه‌های جنگ را جبران کند. حضور نیروهای شوروی و انگلیس در ایران باعث گسترش روابط با متفقین شد. در موافقت‌نامهٔ بین ایران و شوروی دربارهٔ تأمین هزینهٔ جنگ، شوروی متعهد شد پس از جنگ، طلب ایران را به دلار و طلا بپردازد، اما شوروی پس از پایان جنگ، از پرداخت آن امتناع و آن را مصادره کرد (حاجی‌زاده سعدآباد، ۱۳۹۹، ۷۳).

در حمل و نقل دریایی برای کشتی‌ها، قاعده کشور صاحب پرچم وجود دارد. یعنی اگر کشتی با پرچم یکی از کشورهای طرف جنگ حرکت کند به‌عنوان کشتی کشور در حال جنگ محسوب شده و قابل مصادره است، اما اگر با پرچم کشور بیطرف در حال حمل کالا باشد به‌عنوان کشتی کشور بیطرف محسوب شده و از دستبرد و مصادره در مصموم خواهد ماند.

از آنجاکه ایران از ابتدای جنگ بی‌طرفی خود را اعلام کرده است و جزو دول دشمن محسوب نمی‌شود، به‌نظر می‌رسد عدم پرداخت دلار و یازده تن طلای ایران، هیچ‌گونه ضرورت جنگی برای شوروی نداشته و غیرقانونی و نامشروع تلقی می‌شود. از طرفی دیگر، شوروی نمی‌تواند به منفعت اساسی کشورش در مصادرهٔ این اموال استناد کند.

جدول ۳. مصادرهٔ اموال در جنگ در تاریخ معاصر

موضوع	زمان	اموال اتباع یا کشور	نوع مصادره	مشروعیت مصادره	کشور مصادره‌کننده
کشتی‌های نروژی	جنگ جهانی اول	نروژ	بطلان قراردادهای خصوصی دشمن	نامشروع و عدم تفکیک و ضرورت	امریکا
نوت‌بام	جنگ جهانی	آلمان	اموال اتباع	نامشروع و عدم	گواتمالا

	دوم	دشمن	تفکیک و ضرورت	
اینترهاندل	جنگ جهانی دوم	ممنوعیت تجارت با دشمن	نامشروع و عدم ضرورت	امریکا
ایران	جنگ جهانی دوم	قراردادی (دلار و یازده تن طلا)	نامشروع و عدم تناسب	شوروی
ایران	جنگ جهانی دوم	کالا و خدمات دولتی و عمومی	نامشروع و عدم تناسب	متفقین

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش فرضیه اصلی مقاله را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که تفاوت‌های فاحش در صدر اسلام و جنگ‌های جهانی در باب مصادره اموال در جنگ وجود دارد. نظام‌مندی و داشتن چهارچوب اصولی مبتنی بر معیارهای ارزشی نظام حقوقی اسلام از شاخص‌های ممتاز مصادره اموال در اسلام است.

در اسلام برای رفع حالت ضرورت و به تناسب خطر موجود، انجام فعل اضطراری جایز است و بیشتر از آن هیچ‌گونه مجوزی ندارد. با این بیان، معلوم می‌شود که تا آنجا که ممکن است باید عمل به قاعده ضرورت با احتیاط باشد، و عمل به اضطرار را به آخرین مرحله اقدامات محول کرد؛ به نحوی که هیچ چاره و راه‌گریزی باقی نمانده باشد و در صورت ارتکاب، باید اصل تناسب کاملاً ملاحظه شود و افراط و تفریطی صورت نگیرد.

در مصادره اموال باید توجه داشت که اگر در صورت استمرار حمایت از کالا و خدمات غیرنظامی و غیرجنگی، دشمن فرصت آماده‌سازی و تجهیز نیروهای خویش را به دست آورد و از شکست بگریزد، باید از مصادره کالا و خدمات غیرجنگی و غیرضروری که در حالت عادی قابل حمایت‌اند صرف‌نظر و آن اموال را مصادره کرد و مانع هجوم همه‌جانبه حال یا آینده آنان شد (مانند بنی قریظه، بنی‌نضیر، بدر و اموال یزید)؛ زیرا ضرورت مصادره اموال متشکل از ضرورت اتخاذ تدابیری است که برای تأمین اهداف جنگ اجتناب‌ناپذیر است، و بر اساس قوانین و عرف‌های جنگی مشروع‌اند.

پس، به نظر می‌رسد در جنگ مصادره اموالی قابل توجیه است که در راستای اموال و

اهداف نظامی باشد، اما اموال غیرنظامی یعنی اموالی را دربرنمی‌گیرد که از نظر نظامی مقاوم نباشند و قابلیت دفاع نداشته باشند یا اموالی را که هدف نظامی محسوب نمی‌شوند و جدا از حمایت عام، مشمول حمایت خاص نیز هستند مانند اموال لازم جهت زیست جمعیت غیرنظامی که شامل مواد خوراکی، محصولات کشاورزی، چهارپایان اهلی و زمین‌های کشاورزی می‌شوند.

بنابراین، در مقایسه بین ضرورت مصادرهٔ اموال در صدر اسلام و تاریخ معاصر، وجه تشابه و افتراق را می‌توان چنین بیان کرد:

وجه تشابه: ۱. پذیرش اصل ضرورت مصادرهٔ اموال در جنگ؛ ۲. پذیرش اصل تناسب در مصادرهٔ اموال (هرچند در جنگ‌های تاریخ معاصر به آن عمل نشده است)؛ ۳. در هر دو دوره، ضرورت مصادرهٔ اموال غیرنظامی در برخی اقدامات به دلیل ماهیت موضوعیت ندارد؛ ۴. در هر دو دوره تعریف خاصی از ضرورت و تناسب مصادرهٔ اموال نشده است. وجه افتراق: ۱. در جنگ‌های صدر اسلام ضرورت مصادرهٔ اموال از عناصر تشکیل‌دهندهٔ عمل مجرمانه است (جنگ نخله)، اما در جنگ‌های تاریخ معاصر هیچ عنصر مجرمانه‌ای برای ضرورت مصادره مشاهده نمی‌شود و ضمانت اجرایی ندارد؛ ۲. در جنگ‌های صدر اسلام بین اموال مصادره‌شده تناسب وجود دارد (زمین‌های یهودیان)، اما در تاریخ معاصر هیچ تناسبی بین مصادرهٔ اموال با توجه به اوضاع و احوال و شرایط وجود ندارد؛ ۳. در اسلام ضرورت مصادرهٔ اموال در بستری از قاعدهٔ مصلحت اعمال می‌شود (برای جلوگیری از آسیب بیشتر)، در حالی که در جنگ‌های تاریخ معاصر هیچ مصلحت‌اندیشی و منفعت‌اساسی در نظر گرفته نمی‌شود.

پس، با توجه به مطالب گفته‌شده، پیشنهاد می‌شود:

۱. در خصوص آثار اصول تناسب و ضرورت در مصادرهٔ اموال کنکاش بیشتری شود و از نظرهای قضات دیوان بین‌المللی دادگستری و اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل استفاده شود تا دربارهٔ ضرورت مصادرهٔ اموال در جنگ بازنگری شود؛
۲. از نظرهای فقها دربارهٔ ضرورت مصادرهٔ اموال در دنیای اسلام استفاده شود؛

۳. باتوجه‌به اینکه در اسلام به اصول تناسب و ضرورت مصادره اموال توجه وافری شده است، در قوانین و مقررات بین‌المللی گنجانده شود؛
۴. درباره مصلحت مصادره اموال در جنگ تبادل نظر شود؛
۵. بررسی واقع‌بینانه صورت بگیرد تا مشخص شود کشوری که ضرورتی برای شرکت در جنگ ندارد، چگونه می‌تواند به ضرورت مصادره اموال استناد کند (امریکا).

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی (۱۳۹۹). الكامل فی التاریخ، دار صادر.
ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق). البدایه و النهایه، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن هشام، عبدالملک (۱۴۳۸ق). السیره النبویه، بیروت، الکتبه العلمیه.
الذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت، دار الکتب العربی.

الطبرسی، فضل بن حسن (۱۴۳۸ق). اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
الیه، مریچا (۱۳۹۶). تاریخ اندیشه‌های دینی، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، نیلوفر.
بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق). کتاب جمل من انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر.
پاکروان، مهدیه و زهرا سالاریان (۱۳۹۷). «نقد و واکاوی حمله مسلمانان به کاروان‌های تجاری قریش در ماه‌های آغازین هجرت برای کسب درآمد از دیدگاه مستشرقین»، مطالعات تاریخ اسلام، ج ۱۰، ش ۳۹، ص ۷-۲۶.

جاوید، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی با کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ج ۱۱، ش ۵، ص ۳۳-۵۰.
حاجی‌زاده سعدآباد، شادی (۱۳۹۹). «مطالبات مالی ایران از شوروی در جنگ جهانی دوم (یازده تن طلای ایران)»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ج ۱۷، ش ۹، ص ۷۳-۹۲.
حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۹۷). معارف و معاریف دایرةالمعارف جامع اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.

رنجبر، محمدعلی و فرهاد نوبخت (۱۳۹۷). «تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در

واکاوی ضرورت مصادرهٔ اموال دشمن در جنگ ... - علی دلداری (۳۵۷-۳۲۹) / ۳۵۷

جنگ جهانی اول از منظر روزنامهٔ آچیق سوز»، مطالعات تاریخی جنگ، ج ۵، ش ۲، ۱ مهر، ص ۸۱-۱۰۰.

روحانی، فؤاد (۱۳۳۳). «بازداشت اموال خصوصی در جنگ دریایی»، کانون وکلا، ج ۴۰، ش ۷، ص ۸۶-۹۲.

سبحانی، جعفر (۱۳۹۷). فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

شجاعی دیوکلائی، سیدحسن (۱۳۹۸). «تأثیر تحولات جنگ جهانی دوم بر ناکامی تحقق اهداف ترانزیتی قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی»، مطالعات تاریخی جنگ، ج ۷، ش ۳، ص ۱۱۳-۱۳۸.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۸). حقوق جنگ، تهران، حیدری.

_____ (۱۳۶۵) «نگرشی جنگ»، حقوقی بین‌المللی، ج ۶، ش ۳، ص ۴۵-۷۰.

طباطبایی، سیداحمد و سیدمحسن حکمتی مقدم (۱۴۴۱ق). «حقوق بین‌الملل و اخراج اتباع کشور دشمن در زمان مخاصمات مسلحانه»، مطالعات حقوق عمومی، ج ۲۱، ش ۴۹، ص ۱۳۲۹-۱۳۴۹.

طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۸). تاریخ طبری، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.

عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۵). «ماهیت، شرایط و آثار اصل ضرورت نظامی در دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ج ۸، ش ۳، ص ۹۹-۱۲۲.

عقاد، عباس محمود (۱۳۹۲). راه محمد، ترجمهٔ اسدالله مبشری، تهران، امیرکبیر.

قربان‌زادهٔ سوار، قربان‌علی و امیرمحمد ایزدی (۱۳۹۵). «واکاوی مفهوم مشروعیت حکومت: بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های توماس آکوئیناس و خواجه‌نصیرالدین طوسی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ج ۹، ش ۴، ص ۳۱-۴۸.

محمدی، سیدمحمدحسین و زهرا اسکندری فرد (۱۳۹۶). «وضعیت امنیت عمومی در سال‌های اشغال نظامی ایران توسط متفقین (شهریور ۱۳۲۰- شهریور ۱۳۲۴)»، پژوهش‌نامهٔ تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ج ۱۲، ش ۶، ۱ مهر، ص ۲۴-۱۰۷.